



۲۰۲۰/۰۱/۱۳

فریده نوری

"یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد"

پدر کشتی و تخم کین کاشتی
پدر کشته را کی بود آشتی

در سال های ۱۹۶۰ میلادی، زمانی که حزب دیموکراتیک خلق یعنی دو شعبه حزب کمونیستی خلقی و پرچمی که مستقیماً از برادر بزرگ خود شوروی ها تمویل می شدند، به فعالیت های عوام فریبانه خود در افغانستان شروع به فعالیت نمودند. خانم گمراهی به نام «اناهیتا راتب زاد» که مخصوصاً رهبری قسمت پرچم را در گمراه نمودن زنان و دختران جوان بر عهده داشت، تحت نام سازمان زنان شروع به فعالیت وسیع نمود نمود. چندی قبل خبر مرگ یکی از همکاران و همگامان همین «اناهیتای راتب زاد» و بنیاد شرم آور وی به نام «ثریا پرلیکا» پخش شد، زن معلوم الحالی که از گمراه نمودن دختران جوان، از هیچ وسیله ای دریغ ننموده است.

البته باید خاطر نشان شود که این خانم بعد از شکست طالبان، با مهارت چهره بدل نمود و و مانند اکثریت چپی های بی شخصیت، از آغوش کمونیسم شرق به آغوش امپریالیسم غرب لمید و در لباس مدافع حقوق زن در افغانستان عزیز به فعالیت های تخریب کارانه خود بعد از سال ۲۰۰۳ - ۲۰۰۲ میلادی ادامه داد و خاک به چشم نسل نو پاشید.

این که این زن با سابقه سیاه، بدون رسیدن به جزای اعمال ننگینش درگذشت مورد بحث نیست، اما خانم منور و مطبوعاتی ای که اداره یک پروگرام سیاسی - اجتماعی تلویزیونی را در امریکا برای سال ها بر عهده داشت و فعلاً به صفت مشاور خانم رئیس جمهور غنی فعال می باشد، از مرگ وی اظهار تأثر و افسوس نموده و و مقام بلندی در راه مبارزه زنان افغان به وی بخشیده است، همه را بسیار به تعجب انداخت.

وقتی خانم ملالی جان نظام، نویسنده توانا و هم یک مدافع راستین نه تنها حقوق زن بلکه حقوق بشر از نزد ایشان به صفت دوست و همکار مطبوعاتی از طریق این وبسایت در زمینه جویای وضاحت می شود، جواب ایشان خیلی مایوس کننده می باشد:

ایشان می فرمایند که اولاً وی از فعالیت های حزبی این خانم خبر ندارد، و ثانیاً تمام جنایات شان باید فراموش شود، زیرا وقت و زمان تغییر خوده و حتی در محفلی در مقابل عکس یکی از این جنایت کاران و وطن فروشان که «نجیب» باشد، جوانان امروزی چک چک نموده و به پا خاسته اند.

لاکن این خانم محترم به عوض این که دلایلی را که چرا جوانان در مقابل قاتلین مردم افغانستان و فروشندگان وطن به بادران روسی شان، چک چک و قدردانی نمودند، جویا شود، می خواهد خاک بالای خون شهیدانی بیاندازد که ذریعه آن جنایتکاران وطن فروش به قتل رسیدند و می گوید حالا دیگر گذشت. نخبیر خانم محترم باید دلایل چک چک نمودن و استقبال از یک جایتکاری مثل نجیب و امثال او را دانست و جستجو کرد:

اول یک تعداد این جوانان متأسفانه در دو، سه دهه اخیر به دنیا آمده اند و موجودیت جنگ ها و درگیری های ناشی از کودتای هفت ثور ۱۹۵۷ شمسی، و دوام آن تا به امروز که باعث جاری شدن مداوم خون از پیکر مادر وطن گردیده است، تنویر نشده اند و از طرف دیگر لک بخشی های احزاب تنظیمی و ائتلاف شمال با همکاری نامیمون شان با جنرالان حزب دیموکراتیک خلق و پرچم، به عوض این که محاکمه می شدند، همه شان بخشیده شدند و به فعالیت های خود به صورت مخفی همان طوری که بادران ک.ج.ب. شان برای شان آموخته بودند ادامه داده، و با نفوذ نمودن در بین احزاب تنظیمی مقاومت، آن ها را یکی به جان دیگر طوری انداختند که شفا یابی از این زخم ناسور نا ممکن به نظر می رسد.

از نظر هیچ آگاهی پنهان نیست که همین ها در بین جوانان و همه اجتماعات افغانی رخنه نموده اند و باز هم از همان تکتیک های خود استفاده کرده و به گمراه نمودن اذهان جوانان دوام داده و می دهند. از طرف دیگر همه خوب می دانند که اکثریت تلویزیون های افغانستان شخصی اند و در مقابل یک مشت پول، اگر عکس نجیب نا نجیب و همفکران وی را به نمایش گذاشته باشند، بسیار رایج است، ولی کسی که سال های متمادی به این داد و گرفت ها کاملاً واقف است، نباید از آن پیراهن خونین یوسف بسازد. خداوند دستان ملال عزیزم را از گزند نگاه دارد و بر قلم توانایش برکت که همیشه در تنویر و شناسایی این دسته جنایتکاران پرداخته و نمی گذارد که با پامال خون شهیدان، خاینان ملی واقعی به باد فراموشی سپرده شوند.

حالا یک هم وطن دیگر ما که من به ایشان آشنایی ندارم و از خلال دو نیشته اخیرش چنین فهمیدم ادعای دقیق وی این است، که گذشته گذشت، و باید بالایش خاک انداخته شود. نخبیر آقای محترم تا قاتلین وطن بالاخره محاکمه نشوند آوردن صلح محال است اگر در شروع و قبل از اینکه زمینه فرار آنها به غرب فراهم گردد، محاکمه می شدند، احوال بدین منوال نمی بود و صلح در وطن ما می آمد.

لاکن دیده می شود که نویسنده توانا و نایاب حمید جان انوری وقتی می خواهد شما را متوجه بسازد، باز هم دیده می شود که با وجودی که شما می فرمایید که به هیچ کس اهانت نمی کنید، و از طرف دیگر، نیشته های نویسنده محترم حمید جان انوری را که برای روشنی انداختن برای نسل های آینده کشور خیلی ها حایز اهمیت است، عمل بالمثل می پندارید، و تکراراً همه را به انعطاف پذیری دعوت می کنید.

نویسنده محترم: میلیون ها افغان از چهل و یک سال به این طرف در آتش بی وطنی به دلیل گناه عظیم و نابخشوندی یک اقلیت مطلق که همانا خلقی ها، پرچمی ها و بادران روسی شان می باشد می سوزند. زیرا آن ها:

پدر کشتند و تخم نفرت کاشتند

پایان